

مهناز گودرزی*

علیرضا قربانپور**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲۰

چکیده

یکی از مهم‌ترین سازوکارها و ابزار تامین هدف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تدوین و اجرای دیپلماسی فرهنگی کارآمد است. اهمیت این امر برآمده از جایگاه دیپلماسی فرهنگی برای برقراری ارتباط با نخبگان و عامه جامعه است. در جمهوری اسلامی ایران نیز طی سالیان اخیر موضوع اهمیت و توسعه دیپلماسی فرهنگی به‌صورت فزاینده مورد توجه سیاست‌گذاران، مسئولان و کارگزاران و مجامع علمی کشور قرار داشته و در این زمینه سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های گسترده‌ای هم به لحاظ علمی و نظری از طریق مقالات، کتب، همایش‌ها و جلسات، و هم به‌صورت عملی از طریق ایجاد و گسترش سازوکارها در داخل و خارج از کشور، توسعه کمی و کیفی فعالیت‌های رسانه‌ای خصوصاً راه‌اندازی شبکه‌های متعدد رادیو و تلویزیونی، پذیرش دانشجویان و طلاب خارجی، مبادله هیئت‌های متعدد از نخبگان و گروه‌های مرجع و غیره انجام پذیرفته است، ضرورت اعمال دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی در منطقه خاورمیانه از این‌رو از اهمیت و اولویت مضاعف برخوردار می‌گردد که طی سالیان اخیر شاهد تشدید دو موج قوی ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی از سوی بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به‌منظور منزوی ساختن تهران در محیط سیاسی – امنیتی و فرهنگی خود هستیم. این مقاله در پی توضیح و تبیین دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی در خاورمیانه است. به باور نویسنده تغییر و تحولات سیاسی و فرهنگی – اجتماعی کشورهای خاورمیانه طی چند سال اخیر در کنار دو موج قوی مورد اشاره در بالا، ضرورت بازنگری در رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در استفاده از ابزار دیپلماسی فرهنگی و بازتعریف جدید از دیپلماسی فرهنگی سنتی را موجب شده‌اند.

واژگان کلیدی: دیپلماسی، قدرت نرم، فرهنگ اسلامی – ایرانی، سیاست خارجی، منافع ملی، خاورمیانه

* عضو هیات علمی (استادیار) دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، گروه روابط بین‌الملل، اصفهان، ایران

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیست و چهارم، شماره اول، بهار ۱۳۹۶، صص ۲۹ – ۵.

مقدمه

یکی از ویژگی‌های برجسته دوران جدید موسوم به عصر جهانی‌شدن، افزایش روزافزون اهمیت «قدرت نرم» در روابط بین‌المللی است. قدرت نرم عبارت است از توانایی تاثیرگذاری بر اندیشه‌ها، ترجیحات و رفتار دیگران بدون استفاده از ابزار زور و تطمیع. در صحنه سیاست بین‌الملل استفاده مناسب، بجا و درازمدت از ابزارهای قدرت نرم می‌تواند با تاثیرگذاری بر سایر ملت‌ها و دولت‌ها به تامین و توسعه منافع ملی هر کشور به‌صورت جذاب، کم‌هزینه و ماندگار کمک کند. شتاب فراگیر شدن توجه به قدرت نرم به‌گونه‌ای است که امروزه تمامی قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای با برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری کلان بر روی این استراتژی، در تلاش هستند که ضمن شناسایی، ارتقا، بارورسازی و روزآمد نمودن ظرفیت‌های ملی خود در این زمینه، آنها را تبدیل به ابزارها و فرصت‌های بالفعل برای تامین و توسعه منافع ملی و افزایش قدرت ملی خود در سطوح منطقه‌ای و جهانی نمایند. در چنین بستری است که مفاهیمی چون «دیپلماسی عمومی» و «دیپلماسی فرهنگی» به شکلی ممتاز جلوه می‌کنند.

طبیعتاً در این بین الهام بخشی در کشورهای پیرامونی به دلیل مجاورت جغرافیایی و خصوصاً وجوه شباهت‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و وجود ملاحظات امنیتی اولویت و اهمیت بیشتر می‌یابد. یکی از مهم‌ترین سازوکارها و ابزار تامین اهداف فرهنگی سیاست خارجی جمهوری اسلامی مبتنی بر گسترش خاصه‌ها و عناصر فرهنگ ایرانی - اسلامی و الهام بخشی در سایر جوامع، تدوین، تنظیم و اعمال دیپلماسی فرهنگی کارآمد و روزآمد است. نوعی دیپلماسی فرهنگی کنشگر و کنش‌مند که بتواند فرصت و بستر لازم را برای استفاده بهینه از داشته‌ها و خاصه‌های فرهنگی ایران و انقلاب اسلامی برای تامین منافع ملی کشور فراهم آورد.

این مقاله در پی توضیح و تبیین دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی در منطقه خاورمیانه است. در حقیقت هدف اصلی در این مقاله بررسی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه در پرتو تحولات برخاسته از بهار عربی است. به باور نویسنده تغییر و تحولات فرهنگی - اجتماعی و سیاسی خاورمیانه عملاً باعث ناکارآمدی دیپلماسی فرهنگی سنتی شده و بازنگری و بازتعریف آن را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

یک. دیپلماسی فرهنگی

برای سالیان متمادی قدرت نظامی تنها ابزار کشورها برای پیشبرد منافع خود بود. کشورها با کسب و ذخیره قدرت نظامی، تقویت نیروهای نظامی خود را دنبال می‌کردند با این اندیشه که هراندازه در افزایش قدرت نظامی خود کامیاب‌تر بودند با سهولت بیشتری می‌توانند سودهای خود را برآورده سازند و موقعیت خود را ارتقاء بخشند و بر جایگاه خود در میان کشورهای دیگر بی‌افزایند. بااین‌حال در عصر حاضر استفاده از نیروی نظامی به‌عنوان برجسته‌ترین نماد قدرت سخت‌افزاری برای کسب استیلا و نفوذ در میان ملت‌های دیگر کارایی خود را از دست داده است. در کنار کاهش روزافزون اهمیت و کارایی قدرت سخت، آنچه امروزه در روابط بین کشورهای نظام بین‌الملل امتیاز زیادی دارد و ازجمله عناصر و مؤلفه‌های اصلی قدرت یک کشور محسوب می‌گردد ظرفیت قدرت نرم آن کشور در محیط بین‌المللی می‌باشد. محیط امروز بین‌المللی که دوران گذار خود را طی کرده و به تعبیر جوزف نای عرصه انتقال تدریجی قدرت از شرق به غرب می‌باشد بیش از هر چیز پذیرای مؤلفه‌ها و کاربست‌های دیپلماسی عمومی و فرهنگی می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان یک بازیگر مهم و تعیین‌کننده منطقه‌ای، استثنایی بر این اصل نیست.

پیشینه دیپلماسی فرهنگی را می‌توان در سال‌های دهه ۱۹۳۰ جستجو نمود. برنامه ارتباطات فرهنگی بین فرانسه و آلمان را می‌توان آغاز استفاده این امر دانست، برنامه‌ای که به‌زودی با الگوبرداری سایر کشورها روبرو شد به‌گونه‌ای که بریتانیا اقدام به راه‌اندازی شورای بریتانیایی روابط با سایر کشورها^۱ در سال ۱۹۳۴ و ایالات‌متحده نیز اقدام به تأسیس کمیته بین‌سازمانی همکاری‌ها با جمهوری‌های آمریکا^۲ در سال ۱۹۳۸ نمود. از دهه ۱۹۸۰ با تلقی فرهنگ به‌عنوان ابزار کارآمد دیپلماسی، سیاست خارجی شاهد یک تحول بزرگ شد. مایکل در اثر خود در سال ۱۹۸۶ دیپلماسی فرهنگی را تقویت نفوذ فرهنگی یک کشور از طریق تامین مالی تورهای هنرمندان یا از طریق مساعدت به مطالعه زبان و فرهنگ آن کشور در دانشگاه‌های خارجی تعریف کرد. (Mitchell: 1986) با آغاز عصر ارتباطات اهمیت قرار دادن فرهنگ در دستور کار سیاست

^۱. British Council for Relations

^۲. Interdepartmental Committee on Cooperation with the Other American Republics

خارجی دوچندان شد. این امر نتیجه رخنه گریزناپذیر محصولات فرهنگی در انجام تبادلات فراملی و جریان سیال محصولات اقتصادی متأثر از جهانی شدن است. به گفته جوزف نای و اوون، برای قوی بودن به لحاظ فرهنگی در دنیای کنونی - و یا حتی دارای اهمیت بودن به لحاظ فرهنگ - کشور بایستی کنترل خود را بر این جریانات حفظ کند. ثمره این امر سیاسی شدن فرهنگ به وسیله سیاست خارجی است. (Blanger, 1999: 677)

۱-۱. تعاریف دیپلماسی فرهنگی

یک رویه و عمل مؤثر است که برون دادها و تاثیراتش بر پیوندها و ارتباطات بین‌المللی بین کشورهای را می‌جوید. دیپلماسی عمومی کمک می‌کند تا بنیان و شالوده لازم برای اعتمادسازی بین مردمان دیگر ملل فراهم آید (Arendt, 2005). مبادله و تبادل ایده‌ها، انگاره‌ها، ایده‌آل‌ها، اندیشه‌ها، اطلاعات، هنر و دیگر جنبه‌های فرهنگ بین ملت‌ها و مردمانشان به منظور تشویق فهم متقابل (Cumings, 2003: 1)، برقراری یک شاهراه ارتباطی و اطلاعاتی برای ارایه تصویر و ایماژ واقعی از ملت و تبیین و ترویج ارزش‌های فرهنگی - تمدنی آن به جهانیان از یکسو و ادراک، برداشت و شناخت صحیح و صادق از فرهنگ و ارزش‌های سایر ملت‌ها و کشورها از سوی دیگر (Dalone, 1988: 12). دیپلماسی فرهنگی عبارت است از تبادل ایده‌ها، اطلاعات، هنرها فرهنگ‌ها به منظور ارتقای فهم متقابل بین شهروندان یا کشورهای مختلف. (Saeki, 2002: 137)

۲-۱. نگاهی به دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

هر یک از این تعارف فوق، بر وجوه، ابعاد، کارکردها و اهداف مختلف دیپلماسی فرهنگی تأکید می‌ورزد؛ اما از برآیند آنها می‌توان استنتاج کرد که دیپلماسی فرهنگی به عنوان یکی از ابعاد و ابزار سیاست خارجی عبارت است از تلاش و کوشش از پیش طراحی شده و سازمان‌یافته برای تاثیرگذاری بر برداشت‌ها، ادراکات، افکار، انگاره‌ها، ایدئال‌ها، ارزش‌ها، ایستارها و باورهای سایر ملت‌ها از طریق تبیین و ترویج فرهنگ و تمدن ایرانی و شناخت و درک واقعی از فرهنگ‌های دیگر به منظور تأمین و توسعه منافع ملی. از این رو، دیپلماسی فرهنگی متضمن و مستلزم تبیین، ترویج،

معرفی و گسترش مؤلفه‌ها و عناصر، ارزش‌ها و ابعاد فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی به ملت‌های منطقه از طریق به‌کارگیری ابزارهای فرهنگی آن جوامع و کشورهاست.

بنابراین، دیپلماسی فرهنگی فرآیندی هدفمند بوده و برای تحقق و دستیابی به اهدافی تعریف شده تدوین و اجرا می‌شود. درواقع دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان عامل شکل دهنده به تعاملات و پلهای بین‌المللی و معرف شبکه‌ها و گستره‌های قدرت درون فرهنگ نقش پررنگی در سیاست خارجی کشور پیدا می‌کند، عاملی که با ظهور فناوری‌های نوین به ابزاری برای شخصیت بخشیدن به فرهنگ ملی و عرضه آن به جامعه بیرونی تبدیل شده است. (Nye, 2004) درنتیجه، دیپلماسی فرهنگی از روابط و تبلیغات فرهنگی متمایز می‌شود. چون برخلاف تبلیغات، هدف دیپلماسی فرهنگی تعامل و درآمیختن با مخاطبین است نه القاء پیام‌های غیرواقعی و تحریف شده. همچنین در دیپلماسی فرهنگی بر روابط متقابل پایدار و درازمدت تأکید می‌شود تا مبارزه و کشمکش سیاسی کوتاه‌مدت و زودگذر برای کسب منافع آتی و فوری.

دیپلماسی فرهنگی از روابط فرهنگی سنتی نیز متفاوت و متمایز است؛ زیرا دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان رکن چهارم سیاست خارجی، برخلاف روابط فرهنگی سنتی، تنها به مناسبات فرهنگی رسمی و دولتی محدود نشده و بازیگران و حوزه‌های غیردولتی را نیز در برمی‌گیرد. مبادلات فرهنگی در چارچوب دیپلماسی فرهنگی نیز فقط شامل هنر و فرهنگ صرف نمی‌شود. بلکه علاوه بر آن دربرگیرنده انتقال و ارتباط فکری، رسانه‌ای، علمی و آموزشی، جریان‌ات و مباحث فلسفی نیز است. فراتر از این، هدف اصلی و اولیه روابط فرهنگی سنتی، به‌ویژه در سطح غیردولتی، اعتمادسازی جهت فراهم ساختن زمینه و بستر لازم برای تأمین منافع ملی است. درحالی‌که دیپلماسی فرهنگی به‌جز اعتمادسازی، درصدد تحقق و تأمین اهداف ملی سیاسی مشخص و معین نیز هست (Frankle, 1995:69)

۱-۳. اهداف دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب هدف فراگیر معرفی فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی ایران - اسلامی از یک‌سو و درک، فهم، شناخت و دریافت بهتر و واقعی‌تر از فرهنگ‌های دیگر از سوی دیگر تعریف شده است. اهداف دیپلماسی فرهنگی را می‌توان به دو

دسته فرهنگی محض و غیرفرهنگی تقسیم کرد. اهداف فرهنگی ناب معطوف به تحقق و تامین ارزش‌ها، آرمان‌ها و منافع است که موجب گسترش، توسعه و ترویج فرهنگی و تمدن ایرانی و انقلاب اسلامی در عرصه بین‌المللی می‌شود. برعکس، اهداف غیر فرهنگ ناظر به مقاصد و آمال امنیتی، سیاسی، اقتصادی و راهبردی است که دیپلماسی فرهنگی بستر و زمینه لازم برای دستیابی به آنها را فراهم می‌سازد. (دهقانی فیروزآبادی: ۱۳۸۹: ۱۰۸)

تبیین، ترویج و گسترش فرهنگ ایرانی و اسلامی در قالب اهداف فرهنگی در راستای دو هدف اصلی صورت تحقق به خود می‌گیرد: تصویرپردازی و ایماژسازی واقعی و مثبت از کشور و ملت ایران که تصورات کلیشه‌ای نادرست و تلقی‌ات مخدوش از آن را اصلاح نماید.

هدف دوم، خنثی‌سازی و مقابله با تصاویر و تبلیغات منفی برخی کشورها و بازیگران بین‌المللی از جمهوری اسلامی ایران در سطوح دولتی و غیردولتی خصوصاً در پرتو بحران پرونده هسته‌ای.

دیپلماسی فرهنگی به دو طریق به رفع این سوء تفاهمات و سوءبرداشت‌ها می‌پردازد:

نخست، دیپلماسی فرهنگی باعث درک و تفاهم فرهنگی بین ایران و کشورهای منطقه و جهان می‌شود. تفاهم فرهنگی نیز ستیزش، منازعه و جنگ بین آنان را کاهش می‌دهد؛ زیرا جنگ و منازعه در فکر و ذهن انسان ریشه دارد که با دگرگون شدن آنها در جهت تفاهم، جنگ و خشونت و منازعه نیز از منطقه و جهان رخت برمی‌بندد. (ماکو و تامبسون، ۱۳۷۳: ۸۷ - ۹۵).

مبادله و دیپلماسی فرهنگی بین ایران و سایر ملت‌ها و کشورهای منطقه که به از بین رفتن پیش‌داوری‌های قوم‌مدارانه از راه تفاهم فرهنگی می‌انجامد، موجب شکل‌گیری جامعه سیاسی منطقه‌ای می‌شود که خود به برقراری صلح و امنیت کمک می‌کند. (Snyder and Pruitt, 1969: 14).

دیپلماسی فرهنگی به دو صورت جمهوری اسلامی ایران را قادر می‌سازد تا اهداف و منافع سیاسی سیاست خارجی خود را محقق سازد.

اول، از طریق شناخت فرهنگ کشورها و ملت‌های دیگر و همچنین شناساندن فرهنگ ایرانی به آنان؛ دوم، از راه تاثیرگذار بر سایر کشورها به‌منظور موجه و مؤثر ساختن سیاست‌ها و اقدامات جمهوری اسلامی در آنها. شناخت فرهنگ دیگران و اخذ تصمیمات صحیح و اتخاذ سیاست‌های واقع‌بینانه و سازگار با فرهنگ و منافع آنان از سوی جمهوری اسلامی می‌انجامد. به همین ترتیب،

تبیین و ترویج فرهنگ ایران و انقلاب اسلامی موجب می‌شود تا ملت‌های دیگر بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای این فرهنگ و انقلاب، پدیده‌ها را درک و ارزیابی نمایند. در نتیجه اگر جمهوری اسلامی قادر باشد بر افکار و اذهان تصمیم‌گیرندگان کشورهای منطقه تاثیر بگذارد می‌تواند سیاست‌های آنان را در جهت اهداف سیاست خارجی خود هدایت کند (Michell, 1986:10).

فراتر از این در بسیاری از مواقع هدف دیپلماسی فرهنگی از ایجاد روابط و مناسبات سیاسی پایدار و اثبات میان جمهوری اسلامی و کشورهای منطقه، برقراری و حفظ صلح و امنیت دو و چندجانبه می‌باشد. فرهنگ و دیپلماسی فرهنگی به دو صورت ابزاری و تکوینی به روابط سیاسی اثبات و صلح و امنیت منطقه‌ای کمک می‌کند. از منظر ابزاری، فرهنگ و روابط فرهنگی وسیله و سازوکاری برای دستیابی به صلح از طریق کاهش منازعه و تنش‌زدایی بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای منطقه و خصوصا حوزه خلیج فارس است. این رهیافت با پذیرش دیدگاه امنیت و منفعت محور حاکم بر روابط بین‌الملل، روابط فرهنگی بعد چهارم سیاست خارجی می‌داند که روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی بین ایران و کشورهای منطقه را تسهیل و تسریع می‌کند. (Berdal. et. al., 1988 Jacquin).

توسعه و گسترش تجارت و روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه یکی دیگر از اهداف دیپلماسی فرهنگی می‌باشد. دیپلماسی و روابط فرهنگی از یک‌سو جمهوری اسلامی را قادر می‌سازد در چارچوب تجارت و صنعت فرهنگی به صدور ارزش‌های ایران و انقلاب اسلامی از طریق صادرات کالاهای فرهنگی بپردازد. از طرف دیگر، دیپلماسی فرهنگی بستر و زمینه لازم برای صدور کالاهای غیرفرهنگی را مهیا می‌کند.

۴-۱. کارکردهای تعریف شده برای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

مهم‌ترین کارکرد دیپلماسی فرهنگی فراهم ساختن ابزار و سازوکار لازم برای اعمال قدرت نرم از سوی جمهوری اسلامی ایران است. قدرت نرم به صورت توانایی در جذب و اقناع دیگران جهت «هم‌دستی» و هم‌نوایی تعریف می‌شود. این نوع قدرت بر هنجارها، ارزش‌ها، انگاره‌ها، ایدئولوژی، نهادهای سیاسی، اعتبار، اخلاق و فرهنگ مبتنی و متکی است (Nye, 1990: 153). از این رو ایران از طریق دیپلماسی فرهنگی به جای استفاده از تهدید و پاداش، از قابلیت‌ها و دارایی‌های

نامحسوس و غیر ملموس جهت شکل دادن به ارجحیت کشورها و ملت‌های منطقه بهره می‌گیرد. چون جاذبه‌های ارزش، هنجاری و فرهنگی ایران آن را قادر می‌سازد تا دیگران را با صرف هزینه مادی و معنوی کمتری جذب سیاست‌ها و اهداف خود کند.

دیپلماسی فرهنگی، همچنین از طریق قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، کارکردهای مثبت در تامین منافع و اهداف ملی کشور ایفا می‌کند، کارکردهایی مانند:

معرفی هویت و شخصیت و روح فرهنگی - تمدنی ملت باستانی ایران و انقلاب اسلامی؛

نمایش و عرضه ارزش‌ها و خاصه‌های فرهنگی ایران و انقلاب اسلامی.

نمایش و ترویج ارزش‌های فرهنگی مشترک ایران با ملت‌های منطقه؛

گسترش و توسعه روابط مردم با مردم که پایدار و درازمدت بوده و به‌زودی از بین نمی‌رود.

تاثیرگذاری بر نخبگان علمی - فرهنگی کشورهای حوزه خلیج فارس از طریق اعمال دیپلماسی

سنتی و سیاسی امکان‌پذیر نمی‌باشد؛

فراهم ساختن بستر و زمینه لازم برای برقراری تماس با افکار عمومی کشورهای منطقه؛

تهیه دستور کار مثبت همکاری با ملت‌هایی که با ایران اختلافات سیاسی دارند،

کمک به ایجاد اعتماد و تسهیل اعتمادسازی با کشورهای منطقه که زمینه‌ساز همکاری‌های

سیاسی، اقتصادی و امنیتی با آنان خواهد بود؛

امکان‌پذیر ساختن برقراری تماس و ارتباط نزدیک با گروه‌های اجتماعی و فرهنگی غیر نخبه

مانند جوانان، زنان و عامه مردم علاقه‌مند به تمدن ایران؛

آشنا ساختن مردم و ملت ایران با ارزش‌های فرهنگی سایر ملت‌های منطقه؛

ایجاد فضای فرهنگی و اخلاقی مثبت برای مقابله با تهاجم و نفوذ فرهنگ‌های مهاجم فرا منطقه‌ای؛

توسعه و گسترش مبادله اطلاعات جهت آگاهی بخشی بیشتر در مورد دستاوردهای فرهنگی ایران؛

ارتقا و گسترش تسهیلات لازم برای دسترسی گسترده و آسان ملت‌های منطقه به محصولات

و دستاوردهای فرهنگی ایران؛

برقراری و تسهیل روابط و مبادلات بین هنرمندان، دانشمندان و نخبگان فرهنگی - علمی

جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورهای منطقه؛

ارایه راهکارها و ایجاد سازوکارهای مؤثر جهت یافتن اشکال و ابعادی جدید برای همکاری‌های گسترده‌تر فرهنگی، علمی و هنری بین ایران و کشورهای دیگر منطقه. (دهقانی فیروزآبادی: ۱۳۸۹: ۱۰۸)

دو. تغییر و تحول سیاسی و فرهنگی در خاورمیانه

تغییر و تحولات فرهنگی - اجتماعی و سیاسی ایجاب‌کننده دیپلماسی نوین فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است. این امر برآمده از متغیرهایی در سه سطح ملی، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای است. برخی از این دگرگونی‌ها حاصل فرآیند تکامل طبیعی این جوامع از وضعیت سنتی به مدرن یا توسعه‌نیافتگی به توسعه‌یافتگی است. بعضی دیگر از تحولات از روندهای منطقه‌ای نشأت می‌گیرند. وقوع انقلاب اسلامی، احیای اسلام‌گرایی و رشد اسلام سیاسی، شکل‌گیری گرایش‌های سلفی‌گری و افراط‌گرایی سنی، ظهور بازیگران غیردولتی از جمله این متغیرهای منطقه‌ای هستند. در سطح بین‌المللی و فرا منطقه‌ای نیز عواملی چون جهانی‌شدن، نفوذ فرهنگی خودآگاه و ناخودآگاه بازیگران مداخله‌گر و طرح و برنامه‌های سیاسی - فرهنگی آنان تحولات فرهنگی متعدد را در منطقه ایجاد کرده است. (بنساحل، بایمن و دیگران، ۱۳۸۶).

مهم‌ترین عوامل سیاسی و فرهنگی دگرگونی منطقه خاورمیانه که دیپلماسی فرهنگی نوین ایران را می‌طلبید عبارتند از:

۱-۲. بهار عربی و خیزش‌های مردمی در منطقه خاورمیانه

منطقه خاورمیانه پس از تحولات بهار عربی شاهد تغییر جهتی از مفهوم سنتی دولت حداقلی به دولت حداکثری بوده و به تدریج به سمت شکل‌گیری دولت‌های فراگیر پیش می‌رود، دولت‌هایی که توان جذب همه گروه‌های سیاسی برای مقابله با بحران‌های سیاسی جاری به‌منظور برقراری ثبات و از آن طریق مبارزه با افراط‌گرایی را داشته باشند. (برزگر، ۱۳۹۴)

۲-۲. مسایل و موضوعات فرهنگی نوین

رشد و نمو اندیشه و اعتقاد سلفی‌گری و بنیادگرایی سنی و تشکل و تعیین آن در قالب

جنبش‌های اجتماعی و سیاسی در سطح منطقه ازجمله این موضوعات و تحولات فرهنگی جدید است. (Davidson, 2006). طرح و پردازش گفتمان تروریسم، تحولی دیگر است که محیط فرهنگی منطقه را دگرگون ساخته است. گسترش دموکراسی و فرآیند دموکراتیک‌سازی کشورهای منطقه، اهمیت و اولویت یافتن حقوق بشر، توسعه علمی، آموزشی و اقتصادی تغییر و تحولی دیگر است که حیات فرهنگی کشورهای منطقه را تحت تاثیر قرار می‌دهد. تجلی و نمود عینی این اندیشه‌ها، ارزش‌ها و هنجارها را می‌توان در طرح خاورمیانه بزرگ مشاهده کرد.

۲-۳. ظهور بازیگران جدید

برخی از تبعات جهانی‌شدن منطقه خاورمیانه نیز بهره‌مند از خود شده‌اند. بحران دولت یا تاثیر تکنولوژی‌های نوین یا ظهور جامعه مدنی قدرتمند از مهم‌ترین این تاثیرات هستند. این عوامل باعث افزایش دوچندان بازیگران غیردولتی شده است. این بازیگران پذیرای نقش‌هایی می‌شوند که در سابق بر عهده دولت‌ها بوده است. بازیگران فردی، گروهی و سازمان‌یافته و ساختارمند حضور بازیگران و ساختارهای دولتی را به چالش می‌کشند. این کنشگران سیاسی و فرهنگی خود گروه‌هایی مرجع را تشکیل می‌دهند که به گفتمان‌ها و جریان‌های فرهنگی در این کشورها شکل می‌دهند. این بازیگران خود محصول و معلول جنبش‌ها و گفتمان‌های سیاسی - فرهنگی هستند که در سال‌های اخیر سراسر جهان عرب را فراگرفته است (Oliveti, 2002; Atran, 2006) ظهور شبکه‌های تروریستی مانند داعش و القاعده از مهم‌ترین این بازیگران محسوب می‌شوند.

۲-۴. توسعه ارتباطات و اطلاعات

فضای ارتباطی و اطلاعاتی خاورمیانه و خلیج فارس در اثر جهانی‌شدن و انقلاب اطلاعات و ارتباطات به‌طوری چشم‌گیر تحول و تکامل یافته است. رشد کمی و کیفی رسانه‌های مختلف نوشتاری و دیداری و توسعه فضای مجازی مبتنی بر به‌کارگیری گسترده اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و مختصات این فضای ارتباطی و اطلاعاتی نوین می‌باشد. بارزترین نمونه‌های این فضای مجازی و دیجیتال رسانه‌های شبکه‌های تلویزیونی چون الجزیره قطر و العربیه عربستان هستند.

۲-۵. بحران هویت در خاورمیانه عربی

بازسازی فرهنگی - تمدنی در کشورهای عربی خاورمیانه تا اندازه زیادی واکنشی به بروز بحران هویت در این جوامع است. چون در اثر نفوذ و رسوخ ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی بیگانه، نسل جوان کشورهای عربی در حال توسعه و انتقال از وضعیت سنتی به مدرن، دچار بحران هویت شده است (Yamani, 2002).

۲-۶. چالش خرده‌فرهنگ‌ها در خاورمیانه

فرهنگ ملی کشورهای خاورمیانه به سه خرده‌فرهنگ عربی، اسلامی و غربی تقسیم می‌شود. عربیت در مرکز ثقل و کانون خرده‌فرهنگ عربی قرار دارد که به هویت عربی شکل می‌دهد. خرده‌فرهنگ اسلامی حول محور دین مبین اسلام تشکیل و تعیین می‌یابد که بیش از عربیت بر اسلامیت تأکید و تمرکز می‌کند. با وجود این نمی‌توان این خرده‌فرهنگ را در تقابل و تعارض با خرده‌فرهنگ غربی قرار داد. خرده‌فرهنگ غربی یا مدرن، سومین عنصر متشکله فرهنگ ملی این جوامع می‌باشد. هنجاری که بر مبنای هنجارها و ارزش‌های سیاسی اقتصادی و فرهنگی لیبرالیسم هویت می‌یابد.

۲-۷. توسعه علمی - آموزشی

برخی کشورهای خاورمیانه در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند تا به صورت مراکز علمی - آموزشی منطقه و جهان اسلام درآیند. تأسیس و توسعه مراکز علمی و دانشگاهی در عربستان به منظور هدایت و مدیریت فکری و فرهنگی جهان اسلام صورت می‌گیرد. امارات عربی متحده نیز در سال‌های گذشته تلاش گسترده و سرمایه‌ای عظیم را در بخش آموزش صرف کرده‌اند به طوری که هم‌اکنون تعداد زیادی از دانشگاه‌های معتبر جهان در شهرک دانش دبی شعبه دایر کرده‌اند. برگزاری کنفرانس‌ها، همایش‌ها و سمینارهای علمی، آموزشی و فرهنگی رشد و نمو چشم‌گیر یافته‌است.

سه. فرصت‌ها، محدودیت‌ها و الزامات ایران در حوزه دیپلماسی فرهنگی در محیط جدید خاورمیانه

الف) فرصت‌های ایران

۳-۱. موفقیت ایران در پایان دادن به پرونده هسته‌ای

موفقیت جمهوری اسلامی ایران در پایان پرونده هسته‌ای خود با بهره‌گیری از مذاکره در تیرماه ۱۳۹۴ را می‌توان فرصتی گران‌بها برای بهبود چهره و وجهه کشور در افکار عمومی منطقه‌ای دانست. این مهم زمانی از اهمیت دوچندان برخوردار می‌گردد که باید دانست این مذاکرات باکیفیت نمادین و اهمیت استراتژیک برای تهران همراه گردیده و توانسته است پروژه ایران هراسی را در منطقه با چالش جدی روبرو سازد. از دیگر سو شاید بتوان گفت بزرگ‌ترین دستاورد مذاکرات ایران با ۵+۱ «آزادسازی سیاست خارجی کشور از بند پرونده هسته‌ای» و فراهم آمدن زمینه برای ورود به عرصه‌های جدید دیپلماسی یعنی دیپلماسی فرهنگی و علمی دانست.

۳-۲. اشتراکات فرهنگی – تاریخی

اشتراکات تاریخی و فرهنگی بسیاری بین ایران و اعراب در بسیاری از مقاطع زمانی تاریخ و سرنوشتی مشترک را تجربه کرده‌اند. حتی در دوره‌هایی تحت حاکمیت سیاسی مشترک قرار داشته‌اند؛ اما مهم‌ترین عنصر و عامل پیوند دهنده ایران و اعراب دین اسلام است. به گونه‌ای که فرهنگ‌های ایران و اعراب باوجود هویت‌های فرهنگی مستقل از ماهیت مشترک اسلامی برخوردارند (Bate and Rassam, 2001). ایران تحت تاثیر فرهنگ سیاست داخلی خود یک سیاست مستقل منطقه‌ای را دنبال می‌کند که متشکل از نوعی «خاص‌گرایی» ایرانی یعنی تحت تاثیر فرهنگ سیاسی تکیه بر اشتراکات تاریخی و هویتی و ضرورت ایفای نقش و حفظ جایگاه خود در منطقه از یک‌سو و ضرورت تعامل با غرب ازجمله آمریکا برای حل مسایل منطقه‌ای در یک قالب همگانی از سوی دیگر است. (برزگر، ۲: ۱۳۹۴)

۳-۳. نزدیکی جغرافیایی

مجاورت و همسایگی ایران و کشورهای عرب خصوصا خلیج فارس فرصتی دیگر را فراهم می‌آورد که به موقعیت و مطلوبیت دیپلماسی فرهنگی ایران کمک می‌کند. نزدیکی جمهوری اسلامی ایران به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بر اساس منطق تسری و پخش افقی، امکان تاثیرگذاری بیشتر برای فرهنگ ایرانی و انقلاب اسلامی در این کشورها را فراهم می‌سازد.

۳-۴. حضور ایرانیان و شیعیان در کشورهای منطقه

ایرانیان و شیعیان مقیم در کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، به علت اشتراک فرهنگی و دینی با ایران، می‌توانند به صورت پل ارتباطی بین فرهنگ ایران و جوامع مقصد عمل نمایند. آنان کارکرد و نقشی مؤثر در انتقال فرهنگ ایرانی به مخاطبین مختلف در این کشورها ایفا می‌کنند (توال، ۱۹۷۹).

ب) چالش‌ها

در کنار فرصت‌ها و زمینه‌های مناسب و مساعد فرهنگی، چالش‌ها و محدودیت‌های متعدد نیز برای دیپلماسی فرهنگی ایران وجود دارد. چالش‌های فراروی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه را می‌توان به دو گروه داخلی و بیرونی تقسیم نمود. چالش‌های درونی که عبارت از چالش‌های برآمده از نقص‌ها و کمبودهای داخلی است.

۳-۱. غلبه گاه‌وبیگاه نگاه ایدئولوژیک بر فرهنگی در دیپلماسی فرهنگی

چالش دیگر در این حوزه را می‌توان غلبه نگاه ایدئولوژیک بر نگاه فرهنگی معرفی نمود به این معنا که در مقاطعی متأثر از ذهنیت مدیران فرهنگی، در این حوزه انتقال نگاه مذهبی خود به دنیا پیگیری شده است و به همین جهت دیگر شقوق فرهنگی به دست فراموشی سپرده شده است.

۳-۲. تکثر منابع سیاست‌گذاری

حضور ارگان‌های مختلف درگیر در دیپلماسی فرهنگی مانند وزارت امور خارجه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و... تدوین اجرای یک سیاست

یکپارچه را در منطقه با چالش مواجه می‌سازد. این در حالی است که رویکرد این سازمان‌ها نسبت به تحولات منطقه خاورمیانه و برداشت‌های آنها از واقعیت‌های منطقه‌ای با شکاف فزاینده‌ای روبروست. تکرر منابع سیاست‌گذاری همچنین باعث شکل‌گیری عنصر فقدان رویکرد بلندمدت در حوزه دیپلماسی فرهنگی شده است. دیپلماسی فرهنگی کارآمد، مستلزم هماهنگی، همکاری و هم‌افزایی کارگزارهای مختلف فرهنگی در چارچوب یک ساختار واحد در سطح ملی است.

۲-۳. عدم بهره‌برداری کافی از سایبر دیپلماسی

توسعه سطح اطلاع‌رسانی دیجیتالی فعالیت‌های دولتی تحت وب، ارتقای ضریب نفوذ دیپلماسی نفوذ ایران در رسانه‌های جهان، توسعه بدنه دولت الکترونیک کشور در حوزه بین‌المللی، فعال شدن حوزه عملکرد دولت در فضای دیجیتالی جهانی و تقویت سازمان‌های دیجیتالی خصوصی از فواید سایبر دیپلماسی است. (مرادی، ۸۳: ۱۳۸۳) به نظر می‌رسد ایران هنوز در نخستین گام‌های استفاده از این ابزار است و از رقبای منطقه‌ای خود خصوصاً عربستان سعودی فاصله زیادی دارد.

ج. چالش‌های بیرونی یا چالش‌هایی که دارای سرمنشأ خارجی می‌باشند

۳-۱. ایران هراسی

بی‌اعتمادی و سوءظن متقابل ایران و اعراب پیشینه تاریخی دیرینه‌ای دارد. از پیروزی انقلاب اسلامی، ضعف کشورهای عربی منطقه در برابر قدرت منطقه ایران، همسویی برخی از این کشورها با بلوک شوروی و نیز ظهور بازیگران ناسیونالیسم عرب مانند جمال عبدالناصر در مصر و معمر قذافی در لیبی پدیده ایران هراسی را در پی داشت. باین‌حال همسویی نظام سیاسی ایران با نظام بین‌الملل و ضعف و ناکارآمدی ابزارهای رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی باعث شد پدیده ایران هراسی تن‌ها در سطح نخبه حاکم باقی بماند؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری جمهوری اسلامی بی‌اعتمادی و سوءظن اعراب نسبت به ایران تشدید و تقویت شد. تحولات عراق و به قدرت رسیدن شیعیان در این کشور و تقویت جایگاه و منزلت حزب‌الله در لبنان پس از جنگ ۳۳ روزه موقعیت منطقه‌ای ایران را ارتقاء

بخشید. این تغییر و تحولات و برتری منطقه‌ای ایران، سوءظن و بی‌اعتمادی اعراب خلیج فارس به آن را برانگیخت. تلاش برخی کشورهای عرب منطقه به‌منظور منحرف ساختن افکار عمومی داخلی خود از طریق بحران‌سازی بیرونی، انقلاب ارتباطات و ناکامی در به نتیجه رساندن پرونده هسته‌ای را می‌توان مهم‌ترین عواملی برشمرد که به تقویت پدیده ایران هراسی از سوی کشورهای منطقه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران انجامید. از این رو سوءظن و بی‌اعتمادی اعراب به ایران، اعمال و اجرای دیپلماسی فرهنگی در این منطقه را با چالش روبه‌رو می‌سازد. توافق هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با ۵+۱ در وین در سال ۱۳۹۴ را می‌توان سرآغاز تحرک برخی بازیگران منطقه‌ای خصوصاً عربستان و رژیم اسرائیل برای تقویت پروژه ایران هراسی دانست. این توافق که دورنمای تغییرات ژئوپلیتیک منطقه‌ای را در پی دارد، نگرانی این بازیگران را از بابت از دست دادن جایگاه برتر منطقه‌ای خود در پی داشته است. آخرین نمونه از این تلاش‌ها در محکوم نمودن زائران ایرانی در بروز حادثه منا در حج سال ۱۳۹۴، قطع فراخواندن سفیر بحرین و اخراج کاردار ایران از منامه توسط دولت آل خلیفه و تلاش‌های نخست‌وزیر اسرائیل در نشست مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۳۹۴ نمود پیدا کرد.

۳-۲. شیعه هراسی و ایدئولوژیک و سیاسی شدن فرهنگ ایران

پیروزی انقلاب اسلامی و نگرانی کشورهای جنوب خلیج فارس از صدور آن باعث ایدئولوژیک شدن فرهنگ ایران در نزد آنان شد. در اثر تحولات عراق و لبنان نیز فرهنگ و هویت ایرانی و شیعی سیاسی و امنیتی شده است. در نتیجه اعراب خلیج فارس با فرهنگ ایرانی و انقلاب اسلامی به‌مثابه یک پدیده و تهدید سیاسی - امنیتی برخورد می‌کنند. (کشاورز شکری: ۱۳۹۲) خیزش شیعیان در کشورهای عربی منطقه خصوصاً بحرین، یمن و شرق عربستان سعودی باعث شد برخی کشورهای منطقه‌ای در راستای سیاست فرافکنی و به‌منظور منحرف ساختن افکار عمومی داخل از شکست نظام سیاسی حاکم در توسعه سیاسی درصدد معرفی این تحولات تحت عنوان رقابت شیعه و سنی برآیند. در این بین عربستان سعودی بیشترین تلاش را برای تبدیل شیعه به یک پدیده امنیتی و معرفی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک پدیده فرهنگی امنیتی از خود بروز می‌دهد. ناسیونالیسم عربی و پان‌عربیسم.

رقبای منطقه‌ای ایران جهت مقابله با ایدئولوژی اسلامی و اسلام سیاسی درصدد احیای ایدئولوژی ناسیونالیسم عربی و پایان عربیسم برآمده‌اند. آنان تحولات عراق و به حاشیه رفتن اقلیت سنی مذهب در این کشور را به معنای غیرعربی شدن آن می‌دانند. از سوی دیگر نفوذ جمهوری اسلامی در لبنان و فلسطین را نیز نشانه دخالت ایران در امور داخلی اعراب تلقی می‌کنند. از این رو تقویت ناسیونالیسم عربی و پایان عربیسم را سازوکار و راهکاری برای مقابله با نفوذ و قدرت ایدئولوژیک و فرهنگی ایران قلمداد می‌کنند. ادعاهای امارات نسبت به جزایر سه‌گانه ایرانی نیز گرایش‌های ناسیونالیستی عربی ضد ایرانی را دامن می‌زند (Owen 2004 Schwedler Gerner 2008).

۳-۳. فعالیت مخالفین جمهوری اسلامی

با افزایش تنش بین ایران و غرب پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و با ظهور مخالفین جدیدی برای نظام سیاسی جدید، فعالیت اپوزیسیون علیه ایران در کشورهای مختلف روند صعودی گرفت. در سال‌های اخیر با افزایش تنش‌ها متأثر از پرونده هسته‌ای، فعالیت فرهنگی مخالفین و معارضین جمهوری اسلامی افزایش یافته است به‌طوری‌که ضدانقلاب فعال در آمریکا و اروپا در حال انتقال تدریجی برنامه‌های فرهنگی - تبلیغی خود به کشورهای منطقه و در رأس آن امارات عربی متحده می‌باشد. دسترسی به رسانه‌های مختلف شنیداری، دیداری و نوشتاری و بهره‌مندی از مراکز و نهادهای فرهنگی - تفریحی از جمله ابزارهایی است که مخالفین جمهوری اسلامی از آن برخوردارند. حضور فعال اپوزیسیون ایرانی در پارلمان‌های برخی کشورهای اروپایی مانند فرانسه نقش بسزایی در جهت‌دهی افکار عمومی این کشورها علیه ایران طی سال‌های اخیر داشته است.

۳-۴. دیپلماسی فرهنگی آمریکا

آمریکا پس از اشغال عراق، طرح خاورمیانه بزرگ را برای مهندسی فرهنگی منطقه ارایه داد. طرحی که بر پایه اشاعه دموکراسی لیبرال و توسعه علمی، آموزشی و اقتصادی کشورهای محافظه‌کار عرب به‌ویژه در حوزه خلیج فارس استوار بود (دهقانی فیروزآبادی: ۱۳۸۳) آمریکا در حال انتقال مرکزیت دیپلماسی عمومی و فرهنگی خود به منطقه خلیج فارس، به‌ویژه امارات عربی متحده است. از این رو،

برخی از مراکز فرهنگی و رسانه‌ای آمریکا به منطقه و امارات منتقل شده‌اند. (Beehner 2006).

چهار. الزامات دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه

دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی جهت تحقق و تامین اهداف و منافع ملی در حوزه خلیج فارس باید از اصول رفتاری خاص پیروی کند و الزاماتی مشخص را برآورده سازد.

۴-۱. اتخاذ سیاست فرهنگی مبتنی بر بخش‌های فرهنگی غیر حساسیت‌زا

تقویت ناسیونالیسم عربی، ایران هراسی و شیعه هراسی خصوصاً طی یک دهه اخیر ایجاب می‌کند جمهوری اسلامی ایران در مقطع کنونی به‌منظور جلوگیری از تشدید تنش با کشورهای منطقه و جلوگیری از بهره‌برداری ایزاری مخالفان منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای خود از ورود به بخش‌های فرهنگی حساسیت‌زا امتناع کند. دیپلماسی فرهنگی چند جانبه‌گرا از شدت حساسیت و امنیتی شدن فعالیت‌های فرهنگی ایران می‌کاهد. لذا برگزاری همایش‌های فرهنگی و هنری و راهاندازی کارگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی، علمی و فرهنگی مشترک، مبادلات فرهنگی هنری، کتابخانه‌ای و موزه‌ای نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت دیپلماسی ایفا می‌کند.

۴-۲. درک اهمیت دیپلماسی فرهنگی

نخستین الزام دیپلماسی فرهنگی، اعتقاد راسخ تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی به این واقعیت است که فرهنگ و تمدن ایرانی و انقلاب اسلامی یکی از مهم‌ترین سرمایه‌ها و منافع قدرت برای اشاعه و انتقال ارزش‌های ملت ایران می‌باشد. از این‌رو، دستگاه سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران به‌منظور آگاه‌سازی افکار عمومی منطقه باید عناصر، ارزش‌ها و خاصه‌های فرهنگی ایران را به‌صورت بهینه به کار گرفته و توسعه و تعمیق بخشد.

۴-۳. برنامه‌ریزی راهبردی

برنامه‌ریزی راهبردی به معنای سرمایه‌گذاری استراتژیک و بلندمدت فرهنگی در عرصه

سیاست خارجی است با هدف رسوخ فرهنگ و ارزش‌های معنوی در روح و روان و اذهان مخاطبین. راهبرد تدوین شده بایستی یکپارچه و بلندمدت باشد، خصوصاً با نظر داشتن این مهم که هدف نهایی ارایه چهره‌ای مطلوب از ایران در سطح منطقه‌ای است.

۴-۴. درک واقع‌بینانه از تحولات منطقه‌ای

دیپلماسی فرهنگی در صورتی قرین موفقیت خواهد بود که تصمیم‌گیرندگان فرهنگی فهم و برداشت درست و واقعی از تغییر و تحولات منطقه‌ای به‌منظور برنامه‌ریزی صحیح در دو محیط روانی و عملیاتی داشته باشند. دیپلماسی فرهنگی زمانی موفق خواهد بود که قبل از هر چیز محیط خود یعنی خاورمیانه را بشناسد و سپس بعد از تعیین اهداف، فرصت‌ها و چالش‌ها درصدد تعیین روش‌ها و ابزارها برآید. در این‌بین درک گفتمان فرهنگی رایج و حاکم بر روابط فرهنگی بین‌المللی؛ درک ماهیت و منابع قدرت فرهنگی رایج و عناصر تشکیل دهنده آن؛ درک و شناخت فرصت‌های ساختاری و نهادی و چالش‌ها و تهدیدهای فرهنگی در سطح جهانی و منطقه‌ای؛ جریان‌شناسی فرهنگی بین‌المللی و روندهای فرهنگی حال و آینده جهان و منطقه شاخص‌های تعیین‌کننده خواهند بود. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱)

۴-۵. تمایز قایل شدن بین برنامه‌های در دستور کار در حوزه دیپلماسی فرهنگی

این مهم از این‌روی حایز اهمیت است که فضای سیاسی و فرهنگی حاکم بر نگاه توده‌های مردم در بخش‌های مختلف جهان نسبت به ایران بر اساس مؤلفه‌های مختلف دارای تفاوت چشم‌گیری است. به‌عنوان مثال نگرش منفی بسیاری از مردم اروپا به ایران متأثر از فضا سازی وسیع رسانه‌های غربی در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران است. این در حالی است که در فضای خاورمیانه پرونده هسته‌ای و فضا سازی منفی اسرائیل و عربستان سعودی به همراه برخی کشورهای دیگر که به دنبال تغییرات ژئوپلیتیکی در منطقه با استفاده از اهرم قدرت نظامی آمریکا هستند باعث شکل‌گیری نگرش منفی بر اساس عنصر عدم احساس امنیت شده است.

پنج. راهکارهای ایرانی در دیپلماسی فرهنگی در فضای جدید خاورمیانه

۱-۵. غیرامنیتی کردن فرهنگ ایرانی

نخستین گام در اعمال و اجرای دیپلماسی فرهنگی موفق و مطلوب در منطقه غیرامنیتی کردن هویت و فرهنگ ایرانی به منظور حساسیت‌زدایی دولت‌ها و کشورهای منطقه است.

۲-۵. تنش‌زدایی و اعتمادسازی فرهنگی

تنش‌زدایی فرهنگی و اعتمادسازی هم به‌طور مستقل و هم به‌عنوان پیش‌شرط و پیش‌نیاز تشنج‌زدایی و اعتمادسازی سیاسی - امنیتی ضرورت می‌یابد. محدود ساختن دامنه و حیطه فرایندهای بوروکراتیک تاثیرگذار بر فرهنگ با هدف فراهم ساختن بستر و زمینه برای هنرمندان جهت اجرا، تولید و ارایه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خود به دریافت‌کنندگان خارجی.

۳-۵. تقویت جایگاه زبان و ادبیات فارسی در حوزه تمدنی ایران - اسلامی

آموزش زبان و ادبیات فارسی به زبان آموزان عرب از طریق تأسیس کرسی‌های زبان فارسی در دانشگاه‌ها و مراکز و آموزشگاه‌های تخصصی و تلاش برای حفظ اصالت و جایگاه زبان فارسی در حوزه تمدن فارسی به‌عنوان مهم‌ترین کانال ارتباطی میان کشورها و فرهنگ‌های منطقه بایستی مورد توجه قرار گیرد. تعامل و تفاهم بین فرهنگ ایران و فرهنگ‌ها و تمدن‌های کشورهای خاورمیانه از طریق افزایش تعداد کسانی حاصل می‌شود که توان فهم فرهنگ و تمدن ایران را داشته باشند. این مهم بدون تسلط به زبان فارسی میسر نمی‌شود. (مسکوب، ۴-۳: ۱۳۷۳) اهمیت آموزش زبان فارسی برآمده از این مهم است که در فرایند زبان‌آموزی و پس‌از آن مؤلفه‌های ایدئولوژیک و اجتماعی موجود در ورای متون کتبی و شفاهی فارسی‌زبان به مخاطب منتقل می‌شود. زبان می‌تواند تحکیم بنیان‌های معرفتی و فرهنگی ایران و تعمیم ارزش‌های و نگرش‌های ایرانی، انقلابی و اسلامی به فراسوی مرزهای جغرافیایی را به دنبال داشته باشد.

۴-۵. معرفی مفاخر ایران و میراث فرهنگی و علمی آنها به جهانیان

تاریخ ایران مملو از نام‌های بزرگی است که هرکدام در زمینه‌ای از فرهنگ و تمدن خدمات بی‌شماری را به فرهنگ جهانی ارایه نموده‌اند. ایران مهد و زادگاه سبک نوینی از ادبیات، معماری، پزشکی و بسیاری دیگر از دانش‌های بشری و دانشمندانی بوده است که آثار متعدد و پرشماری را از خود به یادگار نهاده‌اند. میراث فرهنگی و علمی این بزرگان عرصه فرهنگ و علم برای سالیان متمادی در بزرگ‌ترین دانشگاه‌ها و مراکز علمی و فرهنگی در اقصی نقاط دنیا خصوصاً در اروپا محل بحث و فحص و تدریس بود. در شرایط کنونی لازم است ایرانیان ضمن آشنایی با این مفاخر خود در راستای تعامل از جایگاه یک کشور صاحب تمدن و فرهنگ، با ممالک دیگر بکوشند تا شأن خود را در میان کشورهای صاحب فرهنگ و تمدن یافته و احترام جهانیان را نسبت به خود برانگیزند. هم‌چنین در قالب چندجانبه، می‌توان از طریق همکاری با کشورهای منطقه یا سازمان‌های فرهنگی منطقه‌ای و اسلامی چون آی‌سسکو، برنامه‌ها، مراسم، محافل و گردهمایی برگزار کرد. چون گرامیداشت و بررسی آرا و افکار بزرگان فرهنگ و ادب ایران نقشی برجسته در معرفی و تبیین عمق فرهنگ و تمدن ایران ایفا می‌کند (خانی، ۱۳۸۴).

۵-۵. به‌کارگیری ابزارهای نوین ارتباطی

با جهانی‌شدن سیاست، اقتصاد و فرهنگ، ارتباطات فیزیکی جایگاه سنتی و پیشین خود را از دست داده است. در فضای جدید با توجه به فرایند انتقال سریع و آسان اطلاعات و امکان ارایه و پردازش اطلاعات به نحو مطلوب‌تر و کارآمدتر، استفاده از فناوری‌های پیشرفته اطلاعاتی و ارتباطاتی و فضای مجازی رسانه‌ای مانند ماهواره به امری گریزناپذیر برای جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. تردیدی نیست که پیشبرد دیپلماسی فرهنگی تا حدود زیادی به انگاره‌سازی رسانه‌ای وابسته است بر این اساس که بتوان با اطلاع‌رسانی یا اعمال نفوذ بر افکار عمومی بخشی از سیاست‌های دولت را از طریق مردم، احزاب و نهادهای غیردولتی به‌پیش برد. در جدال رسانه‌ای در منطقه خاورمیانه، تهران ابتدا در فوریه ۲۰۰۳ شبکه العالم را راه‌اندازی کرد و سپس در سال ۲۰۰۷ شبکه تلویزیونی ۲۴ ساعته انگلیسی‌زبان خود به نام پرس تی وی را با هدف «شکستن انحصار

رسانه‌های غرب» افتتاح کرد. این اولین کوشش جدی ایران برای ورود به حیات خلوت رسانه‌های غربی و رقابت با آنها به حساب می‌آید. تلویزیونی که نسبت به سایر تلویزیون‌های ایرانی از کیفیت بالاتری برخوردار است گرچه به نظر می‌رسد که نه تنها نتوانسته انحصار تلویزیون‌های غربی را بشکند، هدفی که از ابتدا نیز بسیار دشوار می‌نمود که حتی از رقیب منطقه‌ای خود یعنی الجزیره انگلیسی هم فاصله بسیار زیادی دارد.

۵-۶. سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری و برقراری ارتباط با شبکه‌های مالی علاقه‌مند به پیشبرد دیپلماسی فرهنگی

پیشینه تاریخی - تمدنی و جاذبه‌های طبیعی و تاریخی، ایران را در زمره یکی از ده کشور برتر جهان از نظر آثار و میراث فرهنگی قرار داده است. بر اساس اطلاعات موجود ایران دارای رتبه پنجم جهانی به لحاظ جاذبه‌های طبیعی و دهم به لحاظ جاذبه‌های باستانی و تاریخی است. حضور گردشگران می‌تواند ترویج نهادهای الگوها و ارزش‌های فرهنگی ایران را در سطح منطقه‌ای در پی داشته باشد. در این بین می‌توان از کمک‌های مالی نهادهای علاقه‌مند به توسعه روابط فرهنگی مانند آژانس‌های مسافرتی نیز بهره برد.

۵-۷. بهره‌گیری از ابزار سینما و موسیقی

در میان ابزارهای گوناگون فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سینما تاکنون از جایگاه بالایی برخوردار نبوده است این در حالی است که سینما در جهان تصویری امروز قابلیت تبدیل شدن به دیپلماسی فرهنگی را با ظرفیت بالایی برخوردار است. موفقیت سینماگران و هنرمندان ایرانی در جشنواره‌های مختلف جهانی، واجد ظرفیت‌های فرا سینمایی است که باید متوجه آن بود و تلاش کرد از این ظرفیت به عنوان یک دیپلماسی فرهنگی حسن استفاده را برد. البته باید بین سیاسی کردن عرصه فرهنگ با اعتبارآفرینی سیاسی از طریق فرهنگ تمایز قایل شد تا فرهنگ زیر سایه سیاست و بازی‌های آن قرار نگیرد، بلکه سیاست بر بالین فرهنگ بنشیند و بر قدرت نفوذ خود بیفزاید. از دل سینما می‌توان به سیاستی کارآمد دست یافت که در جهان امروز پاشنه آشیل

سیاست، فرهنگ است. حضور سینمای ایران فقط در گرو انتخاب تولیدات تازه این سینما نیست؛ مرور بر آثار سینمای گذشته و امروز ایران، به خصوص در دو سال اخیر، حاکی از اهمیت این سینما برای فستیوال‌ها و مراکز فرهنگی دارد.

نتیجه‌گیری

تغییر و تحولات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی دهه اخیر دگرگونی عمیق محیط منطقه‌ای خاورمیانه را به لحاظ عملیاتی و روانی در پی داشته است. این تحولات، فرصت‌ها و چالش‌هایی گوناگون برای دیپلماسی فرهنگی ایران در این پهنه جغرافیایی شکل داده است؛ به گونه‌ای که جمهوری اسلامی جهت تامین و تحقق اهداف و آماج فرهنگی و غیرفرهنگی خود در این منطقه نیازمند بازتعریف و بازنگری دیپلماسی فرهنگی است. از این رو، اعمال و اجرای دیپلماسی فرهنگی موفق ایران در حوزه خاورمیانه مستلزم اقدامات و اصلاحاتی چند است. بی‌تردید در پرتو این تحولات ابزارها و شیوه‌های سنتی و رسمی برای هدایت دیپلماسی فرهنگی موفق و مطلوب در کشورهای منطقه کفایت نمی‌کند. لازمه موفقیت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه در مقطع کنونی بیش از هر چیز شناخت واقع‌بینانه تحولات منطقه‌ای و دگرگونی‌های حاصل از آن در محیط عملیاتی و روانی و سپس تعریف ابزارهای نوین دست‌یابی به اهداف تعریف شده است. دو موج قوی ایران هراسی و شیعه هراسی که طی تقریباً یک دهه اخیر روند صعودی به خود گرفت اهمیت بهره‌گیری از ابزار دیپلماسی فرهنگی را دوچندان ساخت. موفقیت جمهوری اسلامی ایران در حل پرونده هسته‌ای و عادی‌سازی روابط با غرب در غالب سیاست تنش‌زدایی، کامیابی دیپلماسی فرهنگی ایران را در خاورمیانه دوچندان ساخته است. این امر خصوصاً در مقابله با پروژه امنیتی ساختن هویت ایرانی نقش بسزایی ایفا نمود. در اثر تحولات سیاسی - مذهبی در منطقه و بالأخص متأثر از تلاش‌های برخی کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در پرتو پرونده هسته‌ای، هویت و فرهنگ ایرانی امنیتی شده بود. در این بین تهران باید همگام در قالب دیپلماسی فرهنگی نوین تلاش نماید تا از فرهنگ و هویت امنیت‌زدایی کند. هدایت دیپلماسی چندجانبه با همکاری و مشارکت کشورهای منطقه یکی از راهکارهایی است که می‌تواند در تحقق این اهداف

راهبردی کمک کند. با این حال به نظر می‌رسد با توجه به فضای منفی شکل گرفته علیه ایران خصوصا تحت تاثیر پروژه ایران هراسی و شیعه هراسی همزمان با تلاش برای برقراری ارتباط با ملت‌های منطقه بایستی روند تنش‌زدایی با دولت‌ها نیز پیموده شود. به گونه‌ای که می‌توان گفت تا زمانی که تنش‌زدایی با دولت‌ها منطقه محقق نشده است نبایستی انتظار تاثیربخشی مطلوب دیپلماسی فرهنگی را داشت.

منابع و یادداشت‌ها:

۱. برزگر، کیهان، (۱۳۹۴)، «آیا یک توافق هسته‌ای سیاست منطقه‌ای ایران را تغییر خواهد داد؟»، سایت خبری و تحلیلی تابناک.
۲. بنساحل، نورا، دانیال بایمن و دیگران، (۱۳۸۶)، «آینده محیط امنیتی در خاورمیانه»، ترجمه ناصر قبادزاده و دیگران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. توال، فرانسوا، (۱۳۷۹)، «ژئوپولیتیک شیعه»، مترجم علیرضا قاسم آقا، تهران، نشر نی.
۴. خانی، محمدحسن، (۱۳۸۴) «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»، دو فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۲.
۵. دهقانی فیروزآبادی، جلال، (۱۳۸۹)، «دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس»، فصلنامه سیاست، شماره ۴.
۶. دهقانی فیروزآبادی، جلال، (۱۳۹۱)، «الزامات دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۵۸.
۷. کشاورز شکر، عباس، (۱۳۸۳)، «فرصت‌ها و چالش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه»، دانشگاه امام صادق.
۸. ماکو، سجت و کنت تامبسون، (۱۳۸۳)، «دیپلماسی فرهنگی»، ترجمه محمدعلی شجاعی، نامه فرهنگ، سال چهارم، شماره دوم.
۹. مرادی، حجت‌الله، (۱۳۸۳)، «اینترنت، عملیات روانی و پیش‌بینی رفتار»، فصلنامه عملیات روانی، سال دوم، شماره ۷.
۱۰. مسکوب، شاهرخ، (۱۳۷۳)، «هویت ایرانی و زبان فارسی»، تهران، باغ آینه.
11. Arndt, Richard, (2005), The First Resort of Kings: American Cultural Diplomacy in the Twentieth Century, Washington D. C. Potomac Books.
12. Barzegar. Keyhan, (1394) How the Islamic State has helped the Middle East”, Almonitor
13. Bates, Daniel G. and Amal Rassam, (2001), Peoples and Culture of the Middle East, New Jersey: Prentice- Hall.
14. Beehner, Lionel, (February 17 2006), “US Soft Policy in Iran”, Washington DC: Council on Foreign Relations.
15. Blanger, (1999), “Redefining Cultural Diplomacy: Cultural Security and Foreign Policy in Canada”, Political Psychology, Vol. 20, No. 4.
16. Cummings, Jr. Milton C., (2003), Culture Diplomacy and The United States Government: A Survey, Washington DC: Center for Arts and Culture.
17. Dalone, Gifford, (1988), Political Advocacy and Culture Communication: Organizing The Nations Public Diplomacy, Washington DC.: University Prees of America.
18. Frankle, C., (1995), The Neglected Aspect of Foreign Affairs: American Educational and Culture Policy Abroad, Washington DC.: The Brooking Institution.
19. Freeman, Jr. Chas W., ed., (1997), The Diplomats Dictionary, Washington DC: United States Institute of Peace Press.
20. Looney, Robert E., (1994), Manpower Policies and Development in the Persian Gulf Region, Westport: Praeger Publisher.
21. Milton C. Cummings, Jr. (2003) Cultural Diplomacy and the United States Government: A Survey, Washington, D. C: Center for Arts and Culture

22. Michell, J. M., (1986), International Cultural Relations, London: New and Unwin.
23. Nincovich, Frank, (1993), US. Information Policy and Cultural Diplomacy, Washington DC: Foreign Policy Association.
24. Nye, Jr., Joseph S, (Spring 2004) "Soft Power and Leadership", Compass: A Journal of Leadership.
25. Nye, Jr., Joseph S, (2004), "Soft Power and American Foreign Policy", Political Science Quarterly, Academy of Political Science .
26. Saeki, Shizuru, (2005), "The Perry Centennial Celebration: a Case Study in US _Japanese Cultural Diplomacy", International Social Science Review.
27. Snyder, R. and G. D. Pruitt, (1969), Theory and Research on the Causes of War, New Jersey, Arentice_ Hall.